دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی درباره آثار شجاعت و حضور مردم در مواجهه با دشمنی‌ها

تمام رؤسای جمهور آمریکا در حسرت براندازی نظام اسلامی به گور رفتند

«ملّت ما نمی‌ترسد.» این عبارتی است که امام خمینی رحمه‌الله در سخنرانی ۲۵ آذر ۱۳۵۸ بیان فرمودند. این سخنان که بعد از تهدیدهای رئیس‌جمهور وقت آمریکا و توطئه‌های او بیان شده، به طور مفصل به شجاعت ملّت ایران و آمادگی مقابله با آمریکا پرداخته است. امام خمینی رحمه‌الله در همین سخنرانی می‌فرمایند: «ما را نترسانید از اینکه ما نظامی می‌آوریم. ما نظامیهای شما را این‌جا دفنشان می‌کنیم.» ۱۳۵۸/۹/۲۵ اکنون ۴۶سال از آن سخنرانی می‌گذرد. تهدیدها همان تهدید است. شجاعت ملّت هم همان شجاعت است. سخن رهبری انقلاب اسلامی نیز همان سخن است.

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای درباره تهدیدات اخیر آمریکا فرمودند: «این هم که می‌بینید گاهی صحبت جنگ می‌کنند که ما با فلان جور هواپیما می‌آییم چنین می‌کنیم، جدید نیست؛ در گذشته هم آمریکایی‌ها بارها در حرفهای خودشان تهدید می‌کردند که «همه گزینه‌ها روی میز است»... به نظر من ملّت ایران را از این چیزها نباید ترساند؛ ملّت ایران تحت تأثیر این حرف‌ها قرار نمی‌گیرد و از برخورد حق نمی‌هراسد... به آن کسی که طمع داشته باشد، بخواهد حمله بکند و اذیّت بکند، ملّت ایران مشت محکمی خواهد زد.»۱۴۰۴/۱۱/۱۲

عملکرد ملّت ایران در طول دوران انقلاب اسلامی نشان داده است این سخن امام خمینی رحمه‌الله و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برگرفته از شناخت عمیق مردم است.

آمریکا، دشمن ملّت ایران است

دشمنی اصلی آمریکا با ملّت ایران است. این دشمنی به خاطر این است که «آمریکا در کشور ما فرعونیّت می‌کرد... موسای زمان آمد... و به‌وسیله این مردم، آمریکا را از این مملکت بیرون کرد.» ۱۳۹۴/۶/۱۸لذا «هر حرکتی از سوی آمریکایی‌ها و همپیمانانشان و همراهانشان انجام می‌گیرد، برای به زانو درآوردن ملّت ایران است؛ برای تحقیر ملّت ایران است.» ۱۳۹۳/۱۱/۱۹ «به‌خاطر طرفداری از اسلام و ایستادگی در پای نظام اسلامی و دفاع جانانه از آن است.» ۱۳۸۱/۱۰/۱۹ به همین دلیل بارها به ملّت ایران توهین کرده و تهمت زده است. به طور نمونه در فتنه اخیر، اغتشاشگران را ملّت ایران نامید و با این کار «تهمت بزرگی به ملّت ایران زد.» ۱۴۰۴/۱۰/۲۷ آمریکایی‌ها در دوران انقلاب «در مقابله با انقلاب ملّت ایران و حرکت عظیم ملّت ایران، هرچه توانستند کارشکنی کردند.» ۱۳۹۳/۰۵/۰۱ بعد از انقلاب نیز با هدف قرار دادن هواپیمای مسافربری، دشمنی خود با ملّت ایران را نشان دادند. همچنین در دوران جنگ با حمایت از صدام، دشمنی با مردم را به اوج رساندند.

ملّتی که همیشه آمریکا را شکست داده است

با تمام این دشمنی‌ها، آمریکا در طول دهه‌های گذشته، شکست‌های متعددی از ملّت ایران متحمل شده است. پیروزی انقلاب اسلامی، اولین شکست آمریکا از ملّت بود؛ زیرا «ما انقلاب و نظاممان اساساً بر علیه آمریکا شکل گرفت.» ۱۳۷۹/۰۵/۰۵ و «در حقیقت یک انقلاب ضدّآمریکایی [بود].» ۱۳۷۳/۰۸/۱۱ رسوایی آمریکا در جریان تسخیر لانه جاسوسی، شکست مفتضحانه آمریکا در طبس، ناکامی آمریکا در جنگ تحمیلی، رسوایی آمریکا در حمایت از گروهک‌های تروریستی، شکست توطئه‌های آمریکا در فتنه ۸۸ و فتنه ۱۴۰۱ خلاصه‌ای از شکست‌های آمریکا از ملّت ایران است. آخرین شکست آمریکا نیز همزمان در دو عرصه جنگ و کودتا رقم خورد. «بعد از آن جنگ چندروزه در چند ماه قبل از این که آنجا ملّت ایران آمریکا را و صهیون را شکست داد، امروز هم آمریکا را به فضل الهی شکست داد.» ۱۴۰۴/۱۰/۲۷ نتیجه این شکست آمریکا این شد که «با حرکت میلیونی ملّت ایران... بیست‌ودوّم دی‌ماه [هم] یک روز تاریخی مثل بیست‌ودوّم بهمن شد.» ۱۴۰۴/۱۰/۲۷

شجاعت و حضور ملّت؛ دو عنصر پیروزی

آمریکا در طول بیش از چهار دهه، با هر ابزار ممکنی با ملّت ایران دشمنی کرده است. «در این چهل و چند سال، هر کاری توانستند کردند؛ یعنی هیچ جور عمل خصمانه‌ای که ممکن بوده نسبت به یک مملکت انجام بگیرد، نبوده که انجام نگیرد؛ حمله نظامی کردند، حمله امنیتی کردند، تحریم اقتصادی کردند، حمله‌های فرهنگی کردند... همه این کارها را کرده‌اند و شکست خورده‌اند.» ۱۴۰۴/۱۰/۱۹ راز شکست همیشگی آمریکا از ملّت ایران از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ تا کودتای آمریکایی سال ۱۴۰۴، شجاعت و حضور مردم است. دشمنان فهمیده‌اند «اگر جنگ تحمیل می‌کنند، دشمن در جنگ شکست می‌خورد؛ اگر حمله کودتایی می‌کنند، شکست می‌خورد؛ اگر حمله امنیّتی می‌کنند، شکست می‌خورد؛ علّت این است که مردم در صحنه حاضرند.» ۱۴۰۴/۱۰/۱۹ لذا آنها همیشه از حضور مردم می‌ترسند؛ زیرا «دیده‌اند که اگر این ملّت در صحنه حضور پیدا بکند، حتماً بر مشکل غلبه پیدا می‌کند؛ کمااینکه در انقلاب اسلامی، ملّت حضور پیدا کرد و توانست رژیمی را که آمریکا و انگلیس و اروپا و همه پشت سرش بودند، به خاک سیاه بنشاند و از بین ببرد.» ۱۴۰۲/۱۲/۰۹ لذا آمریکایی‌ها «از موشک ما هم می‌ترسند امّا از پشتوانه مردمی نظام بیشتر می‌ترسند.» ۱۳۹۸/۱۱/۱۶ عامل مهم دیگر شکست آمریکا، شجاعت و نترس بودن ملّت ایران است. «ملّت ایران نشان داده که در میدان‌های سخت، آن جایی که به وجود او احتیاج هست، محکم می‌ایستد.» ۱۴۰۴/۱۰/۱۳ به همین دلیل دشمنان به دنبال ترساندن مردم هستند. نکته مهم اینکه همین «ترساندن از قدرت‌ها یکی از راه‌های بیرون بردن مردم از صحنه است؛ ترساندن از آمریکا، ترساندن از رژیم صهیونیستی، ترساندن از این و آن.» ۱۴۰۲/۱۰/۱۹ این در حالی است که «ملّت ایران نترسیدن از قدرت‌ها را خودش تجربه کرده... [بعکس] امروز خیلی از قدرت‌هایی که داعیه‌ی تسلّط و خدایی بر این منطقه داشتند، از ملّت ایران می‌ترسند.» ۱۴۰۲/۱۰/۱۹ شجاعت ملّت ایران چنان آشکار است که رهبر انقلاب اسلامی در فتنه ۱۴۰۱ شکست دشمنان را ناشی از شجاعت ملّت می‌دانند و مردم را چنین می‌ستایند: «ملّت در این حادثه هم مثل حوادث دیگر کاملاً قوی ظاهر شد... آن که بیش از همه سینه سپر می‌کند و بیش از همه اثر می‌گذارد، ملّت شجاع و مؤمن ایران است.» ۱۴۰۱/۷/۱۱ در جنگ ۱۲روزه نیز ملّت ایران را با همین ویژگی توصیف می‌کنند: «در این قضیّه‌ای... که اخیراً دشمنان برای کشور پیش آورده‌اند، ملّت ایران نشان داد که هم متین است، هم شجاع است، هم وقت‌شناس است.»۱۴۰۴/۳/۲۸

رمز پیروزی‌های آینده ملّت ایران بر آمریکا

دشمنی‌های آمریکا تمام‌شدنی نیست؛ اما آنها برای اینکه از شکست‌های پی‌درپی خود جلوگیری کنند، به دنبال از بین بردن منشأ پیروزی ملّت ایران ـ یعنی ایمان دینی ـ هستند. «استکبار جهانی و در رأس آن، آمریکای جنایتکار... با این ایمان گسترده‌ی مردم مخالفند.»۱۴۰۴/۵/۷ زیرا «ایمان دینی، آن معجزه‌گری است که قادر است اولاً همه مردم را بسیج کند و بیاورد، ثانیاً آنها را در صحنه نگه دارد، و ثالثاً سختی‌ها را برای آنها هموار و آسان کند.» ۱۳۹۰/۹/۲۱ لذا «یکی از عواملی که برای بیرون بردن مردم از صحنه به کار می‌گیرند، بی‌اعتقاد کردن مردم و بی‌اعتنا کردن مردم به عوامل حضور و شجاعت و قدرت است که در رأسش ایمان دینی است.» ۱۴۰۲/۱۰/۱۹بنابراین، حفظ ایمان دینی اولین رمز ادامه پیروزی‌های ملّت ایران بر آمریکا است.

قدرت ملی، مهم‌ترین عامل دیگر در ادامه پیروزی‌های ملّت ایران و سلسله شکست‌های آمریکا است. حقیقت این است که «اگر چنانچه کشور قوی بشود و دشمن احساس کند که با برخورد با این ملّت قوی، سود نخواهد برد و ضرر خواهد دید، قطعاً کشور مصونیت پیدا می‌کند.» ۱۴۰۴/۸/۱۲ زیرا اساساً ضعف نشان دادن یک ملّت، خود عامل بروز جنگ است. به طور نمونه «جنگ تحمیلی به‌خاطر این اتّفاق افتاد که دشمن در ما احساس ضعف کرد... احساس ضعف شما، موجب تشویق دشمن به حمله به شما است؛ این یک قاعده کلّی است.» ۱۳۹۵/۱۲/۱۶ بنابراین دشمنان «اگر با یک ملّت نمی‌توانند روبه‌رو بشوند، بر اثر این نیست که نمی‌خواهند روبه‌رو بشوند؛ نه، از وحدت آن ملّت، از شجاعت آن ملّت و از ایمان آن ملّت می‌ترسند.»۱۳۷۰/۴/۱۳

در نهایت این سؤال باقی می‌ماند که دشمنی‌های آمریکا تا چه زمانی ادامه دارد؟ پاسخ این است که «تا آن وقتی که ملّت ایران به جایی برسد که ثبات و استقامت و تسلّطش بر امور، دشمن را مأیوس کند؛ که باید البتّه به این‌جا برسیم، و می‌رسیم.» ۱۴۰۴/۱۱/۱۲زیرا بر اساس تجربه تاریخی تمام رؤسای جمهور آمریکا «خواسته‌اند نظام جمهوری اسلامی را ساقط کنند، [امّا] یکی یکی در حسرت این آرزو به گور رفتند.» ۱۳۹۶/۳/۲۸ و همه آنها «داغ ضعیف شدن یا از میدان خارج شدن جمهوری اسلامی بر دلشان خواهد ماند.» ۱۳۹۶/۱۰/۰۶

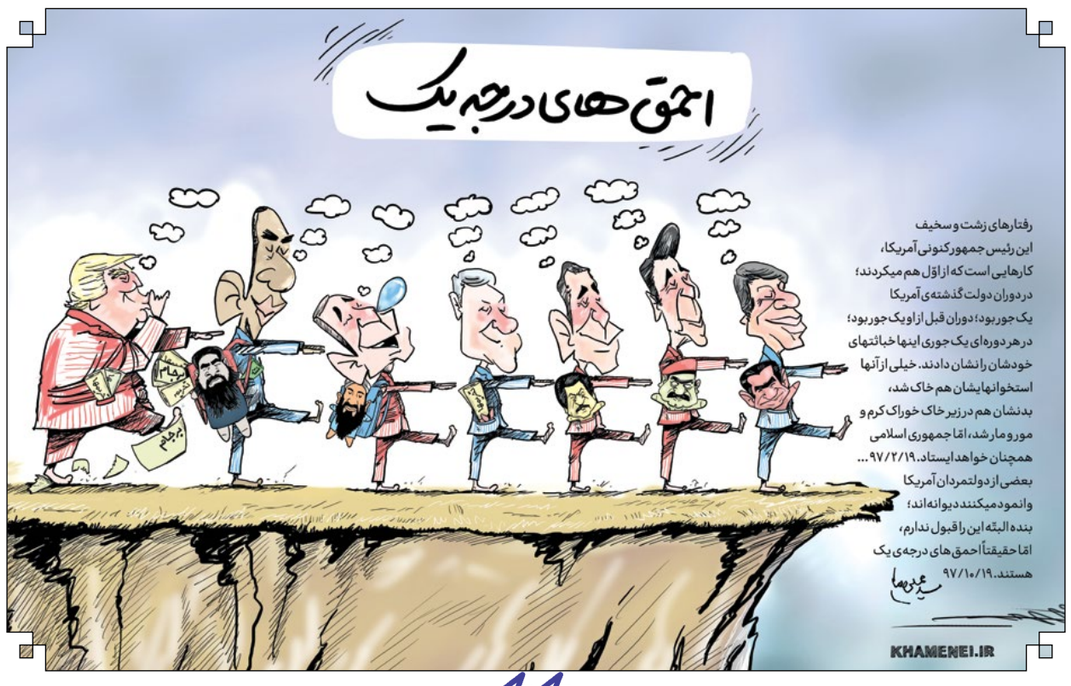

رهبر معظم انقلاب: «آمریکا در کشور ما فرعونیّت می‌کرد... موسای زمان آمد... و به‌وسیله این مردم، آمریکا را از این مملکت بیرون کرد.» ۱۳۹۴/۰۶/۱۸ «هر حرکتی از سوی آمریکایی‌ها و همپیمانانشان و همراهانشان انجام می‌گیرد، برای به زانو درآوردن ملّت ایران است؛ برای تحقیر ملّت ایران است.» ۱۳۹۳/۱۱/۱۹

بازخوانی پرونده سیاه بریتانیا در یکصد و پنجمین سال کودتای سوم اسفند

دست نشاندگی ننگ ابدی دودمان پهلوی

کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ در آستانه قرن چهاردهم خورشیدی که با طراحی و دخالت مستقیم انگلستان به وقوع پیوست، به نحو بی‌سابقه‌ای کشور را به حاکمیت رژیمی دست نشانده و سرسپرده مبتلا ساخت. از جمله نتایج این کودتای ننگین برای کشور و ملت عبارت است از:

- مشروطیت را که تا آن زمان به فراخور اوضاع و شرایط سیاسی کشور، چون شمعی گاه کم یا پرفروغ می‌شد، برای همیشه به مذبح نیستی برد.

- به سلسله شاهان بی‌کفایت قاجار خاتمه داد و رضاخان میر پنج؛ آن قزاق گمنام و نالایق را که رؤیای تاج و تخت هرگز در مخیله‌اش نیز نمی‌گنجید، به قدرت رساند تا ایران برای پنج دهه در شمار وابسته‌ترین نظام‌های سیاسی جهان قرار گیرد و تصمیم گیری‌های خرد و کلان کشور تحت اراده و اختیار بیگانگان و اجانب درآید.

- استبداد و اختناقی هولناک روی کار آورد و آزادگان را به محبس‌های مخوف یا جوخه‌های اعدام سپرد.

- با این کودتای مرتجعانه، سیرِ پیشرفت و آبادانی کشور متوقف شد بلکه به قهقرا رفت.

- تمامیت ارضی کشور بارها نقض شد و سرمایه‌های خدادادی مملکت تاراج گردید.

- باورها و اعتقادات مذهبی ملتی مؤمن به بازیچه گرفته شد.

- روح غیرت و حماسی ملی با سرکوبی رژیم دیکتاتور، دچار سخت‌ترین آسیب‌ها گردید و ردّ تازیانه خسارات مادی و معنوی بی‌شماری بر پیکره ایران عزیز برجا ماند.

اما عوامل وقوع این کودتای ننگین چه بود و اساسا این حرکت بر چه بسترهایی شکل گرفت؟ در تحلیل زیر به این موضوع پرداخته می‌شود.

پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، با برکناری نیکلای دوم، حکومت تزاری ساقط شد و حزب کمونیسم در شوروی قدرت را به دست گرفت. انگلستان که در آن زمان قدرتی استعماری بود، برای جلوگیری از نفوذ شوروی کوشید حصاری از کشورهای مخالف کمونیسم در پیرامون دولت نوپای شوروی ایجاد کند و این کشور را در پشت دیواری حایل، محصور نماید.

بدین ترتیب پس از گذشت ۱۵ سال از انقلاب روسیه، جهانیان مشاهده کردند که در هر کدام از کشورهای همسایه شوروی، یک دیکتاتور مقتدر، راه نفوذ این کشور را سدّ نموده و اختیار مرزهای داخلی خود را به دست گرفته است.

البته لزوما همه دولت‌های دیکتاتورِ همسایه شوروی، دست نشانده انگلستان نبودند. اما قابلِ انکار نیست که همه آن کشورها از یک سیاست پیروی می‌کردند. بدین معنا که همگی مخالف نفوذ شوروی بوده و بشدت از سرایت افکار سوسیالیستی در کشور خود جلوگیری می‌نمودند. همچنین شیوه حکومت این دیکتاتوری‌ها به رغم تفاوت‌هایی که در فرهنگ، زبان و دیگر شاخصه‌های ملی داشتند، یکسان بود. از جمله اینکه شهربانی‌ها و مراکز مخفی جاسوسی، قدرت واقعی را در دست داشتند و دولت‌ها نیز پیرو سیاست سازمان‌های جاسوسی و اطلاعاتی کشور خود بودند.

این دولت‌ها عبارت بودند از: پهلوی در ایران، کمال آتاترک در ترکیه، پیلسودسکی در لهستان، کارل مانرهایم در فنلاند، ژنرال‌های ارتش و سپس هیتلر در آلمان و موسولینی در ایتالیا(هر چند ایتالیا همسایه شوروی نبود، ولی برای کشورهای شبه جزیره بالکان که همسایگان اتحاد جماهیر شوروی بودند، نوعی تکیه گاه محسوب می‌شد).

در حقیقت انقلاب اکتبر و روی کار آمدن کمونیسم در شوروی، عامل مهمی در ایجاد حکومت‌های دیکتاتوری بود و ناگفته نماند که اکثر همین حکومت‌ها، جنگ با دولت شوروی را نیز تجربه کردند.

شرایط اجتماعی و سیاسی ایران

در سال‌های واپسینِ قرن ۱۳ شمسی، ایران ناخواسته درگیر جنگ جهانی اول شد و با وجود اعلام بیطرفی در جنگ، به اشغال نیروهای متخاصم روس از شمال، بریتانیا از جنوب و عثمانی از شمال غرب درآمد. از این رو کشور با مشکلات عدیده سیاسی، اقتصادی و نظامی دست و پنجه نرم می‌کرد. ضعف شدید قدرت مرکزی در برابر آشوب‌های داخلی و سقوط پیاپی کابینه‌ها در کنارِ بی‌کفایتی مفرط احمدشاه که سرگرم عیاشی و ثروت اندوزی بود، فساد درباریان و سیاستمداران، تاخت و تاز امپراطوری روسیه و بریتانیا در کشور که حاصل آن فقر، قحطی و ناامنی روز افزون بود، ایران را در بحرانی‌ترین شرایط قرار می‌داد.

با انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ نیروهای شوروی ایران را ترک کردند و انگلیس به بهانه جلوگیری از خطر آلمان و عثمانی، نیروهای بیشتری را در خاک ایران اسکان داد و عملا کشور به اشغال بیش از پیش انگلیس در آمد.

در همین اوان بین سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹ قحطی بزرگی در کشور به وقوع پیوست که در پی آن میلیون‌ها ایرانی بر اثر گرسنگی و بیماری جان دادند. این قحطی و نایابی، قیمت غلات و محصولات کشاورزی را گاه تا صد برابر افزایش داد و مردم به شدت دچار کمبود مواد غذایی گردیدند. اما در مقابل، نیروهای اشغالگر انگلیس، محصولات کشاورزی را برای مصرف سربازان خود احتکار می‌کردند.

از طرفی احمدشاه که بزرگ‌ترین انبارهای غلات را در اختیار داشت از توزیع آنها بین مردم امتناع می‌کرد و تنها حاضر بود مواد غذایی خود را به قیمت روز به فروش برساند.

بنابر گزارش شاهدان عینی، اجساد مردم مانند پشته‌های هیزم در کوچه و بازار بر روی هم مشاهده می‌شد و امکان کفن و دفن آنها وجود نداشت. آنان نیز که زنده بودند از فرط ضعف و بیماری، نحیف و ناتوان با چشمان گود افتاده و اندامی استخوانی از خوردن هیچ چیز ابایی نداشتند از برگ درختان و علف‌های کناره راه تا مردار حیوانات. بنا بر اسناد و مدارک موجود، این شرایط که شرح وخامت آن در توان هیچ قلمی نیست، ساخته و پرداخته استعمار بریتانیا و حاصل حضور سربازان و مستشاران این کشور در داخل سرزمین ما بود.

قرارداد ۱۹۱۹

در دوره قاجاریه، کشورهای استعماری در ایران نفوذ گسترده‌ای داشتند و قراردادهای متعددی از سوی آنان بر کشور ما تحمیل گردید. یکی از این نمونه‌ها، قرارداد ۱۹۱۹ بود که یک سال پس از پایان جنگ جهانی اول به طور محرمانه میان وثوق‌الدوله، نخست‌وزیر وقت به نمایندگی از ایران و سِر پرسی کاکس وزیر مختار انگلیس به امضا رسید. به موجب این قرارداد، نظارت بر تشکیلات نظامی و مالی ایران منحصرا در دست مستشاران انگلیسی قرار می‌گرفت. وثوق‌الدوله و دو تن از وزیرانش برای امضای این قرارداد از دولت بریتانیا رشوه‌های بسیار کلانی دریافت نمودند. ولی درباره احمدشاه نظرها مختلف است و گروهی معتقدند وی مخالف این قرار داد بود و عده دیگری قائلند که او هم در قبال موافقت با این قرارداد، رشوه دریافت نموده است.

این قرارداد ننگین ماهیتی صد در صد استعماری داشت و ایران را دربست تحت قدرت بریتانیا قرار می‌داد. قرارداد در نهم آگوست ۱۹۱۹ برابر با هفدهم مرداد ۱۲۹۸ شمسی بسته شد. اما اعتراض شدید مردم و در راس آنها روحانی و مجتهد مبارز، آیت‌الله سید حسن مدرس، سرانجام وثوق‌الدوله را تسلیم فشار افکار عمومی کرد و در پنجم تیرماه ۱۲۹۹ استعفا نمود و مشیر الدوله بر صندلی او تکیه زد و این قرارداد را لغو کرد. با این وجود انگلیس، مستشاران خود را در ادارات و وزارتخانه‌های ایران به کار گمارده بود و عملا این قرارداد به طور نامحسوس به حیات خود ادامه می‌داد.

سید ضیاءالدین طباطبایی مهره اصلی کودتا

ضیاءالدین طباطبایی[۱۲۶۸- ۱۳۴۸ ش] روحانی و روحانی زاده‌ای اهل شیراز بود که از ابتدا افکاری انحرافی داشت و تقیّد و پایبندی به دین در او کمتر دیده می‌شد. وی گاه لباس روحانیت را کنار می‌گذاشت و با کت و شلوار و پاپیون ظاهر می‌شد و اهل موسیقی و شکار و تفریحات دیگر بود. ضیاء به تمام معنا دوستدار انگلستان بود و خود را یک انگلوفیل(علاقه‌مند و وابسته به انگلستان) می‌دانست. او در عرصه سیاست انسان مهمی به شمار نمی‌رفت و یک روزنامه‌نگار بود که در طول سال‌ها چندین عنوان روزنامه را منتشر می‌کرد. وی در روزنامه رعد بارها به دفاع از قرارداد ننگین ۱۹۱۹ پرداخت و بیش از حد از آن جانبداری کرد و در مقاله‌های متعددی از آثار مثبت آن قلم فرسایی نمود و حال آنکه در گوشه و کنار کشور علیه این قرارداد مخالفت‌هایی تا قیام‌های مسلحانه نیز وقوع یافته بود.

ضیاءالدین روزنامه نگاری پرخاشگر و عوامگرا بود و پیش از آنکه مطالب روزنامه‌هایش تحلیلی از واقعیات داشته باشد مملو از هوچی‌گری بود. وی در آغاز جوانی شرارت‌هایی داشت و به همین جهت گاه به سفارتخانه‌ها پناهنده می‌شد و گاه به خارج از کشور متواری می‌گردید. او روزنامه رعد را پس از بازگشت از فرانسه با کمک مالی سفارت انگلیس منتشر ساخت. روزنامه رعد ابتدا حامی روس بود و سپس به دفاع از انگلیس پرداخت.

انگلستان در چنین شرایطی و برای جلوگیری از نفوذ شوروی به دنبال دو عنصر برای کودتا بود. «عنصری سیاسی» و «نیرویی نظامی». آنان با چندین نفر به صورت محرمانه مذاکره کردند. اما به توافق نرسیدند تا آنکه سید ضیاءالدین طباطبایی در سر راهشان سبز شد و او را شخصی دیدند که بدون چون و چرا تسلیم اوامر انگلستان است.

رضاخان ماکسیم

رضاخان میرپنج یک افسر قزاق معمولی بود که عده‌ای از سربازان و افسران تحت فرمانش بودند تا آنکه توسط یکی از نزدیکان ضیاءالدین به وی معرفی شد.

دولت انگلستان که در حمله ارتش شوروی به رشت و بندرانزلی شکست خورده بود، برای جبران این شکست و جلوگیری از پیشروی ارتش شوروی به تهران و نیز یافتن مهره‌ای برای کودتا در ایران، ژنرال آیرون‌ساید را به ایران فرستاد.

در این زمان ضیاءالدین طباطبایی اسباب آشنایی و ملاقات آیرون‌ساید و رضاخان را فراهم ساخت. آیرون‌ساید طی جلسات متعددی با رضاخان به بحث و تبادل نظر پرداخت تا او را برای کودتا متقاعد ساخت.

سرانجام رضاخان با ۱۵۰۰ نفر از قزاق‌ها از قزوین حرکت نمود و در نیمه‌های شب به تهران رسید و این شهر با کمترین مقاومتی به تصرف نیروهای قزاق درآمد. تنها کلانتری شش در میدان توپخانه ساعتی مقاومت کرد که رضاخان وحشت زده به چند نفر اظهار داشت اگر نیروی کمکی به اینها برسد و تا صبح موفق نشویم، دیگر جای ما این‌جا نیست. بیایید فرار کنیم! اما عده‌ای او را متقاعد ساختند که بماند. از همین عکس‌العمل، می‌توان به شجاعت رضاخان پی برد.

پس از استقرار نیروهای قزاق در تهران، دو روز بعد ضیاءالدین طباطبایی با مقدمه چینی انگلیس‌ها نزد احمدشاه رفت و تقاضا کرد وی را به عنوان رئیس الوزرا منسوب نماید. احمدشاه که فردی بزدل و بی‌کفایت بود پذیرفت و فرمانی مبنی بر رئیس الوزرایی سیدضیاء صادر کرد. ضیاء پس از چند روز رضاخان را به سردار سپهی ارتقا داد و کابینه خود را که افرادی بی‌کفایت و نالایق بودند انتخاب کرد. تنها هفت نفر از ده نفر کابینه او از اعضای کمیته آهن بوده‌اند. با این‌حال این دولت مستعجل تنها ۹۳ روز به طول انجامید و در ۴ خرداد ۱۳۰۰ شمسی سقوط کرد. ضیاءالدین خود اقرار نموده است: «خطایم این بود که همه چیز را با رضاخان شریک شدم و همه رازها را به او گفتم. فکر نمی‌کردم این شاه راحت طلب(احمدشاه) برای دفع من با قزاق دست به یکی کند وگرنه از همان اول پیدا بود که رضاخان چه می‌خواهد. احمدشاه نفهمید و تاج و تختش را آسان داد.»

اما از جمله علل سقوط کابینه ضیاء این بود که وی بعد از به دست گرفتن دولت، با تشدید عملیات تعقیب و بازداشت ناراضیان به عنوان یک کودتاچی دیکتاتور، سیاستمداران معروفی را بازداشت کرد و نیز به‌علت خالی بودن خزانه مملکت نتوانست برای بهبود وضع معیشت مردم کاری انجام دهد. ملت آنچنان از او تنفر داشتند که پس از سقوط و نامه عزلی که احمدشاه نوشت، تحت الحفظ به خارج از ایران تبعید شد و پس از اقامت در چند کشور اروپایی سرانجام در فلسطین سکنی گزید. او در آنجا به خرید زمین‌های فلسطینیان مبادرت می‌نمود و به یهودیان می‌فروخت و از این راه ثروت هنگفتی به دست آورد.

سیدضیاء پس از سالها به ایران بازگشت که در این دوره نیز روزهای پرچالشی را سپری کرد. از جمله در مجلس چهاردهم، نماینده حوزه انتخابیه یزد شد که دکتر مصدق اعتبارنامه او را به خاطر کودتای ننگینی که کرده بود مورد مناقشه قرار داد اما با تعداد آرای کمی تصویب شد. وی سرانجام در شهریورماه ۱۳۴۸در سن ۸۱ سالگی از دنیا رفت و در مقبره ناصرالدین شاه در شهر ری به خاک سپرده شد. یکی از جنایات بزرگ این شخص، مطرح کردن افسر گمنامی به نام رضاخان میرپنج بود که باعث شد پس از ضیاءالدین به نخست‌وزیری برسد و کشور را برای نیم قرن به ورطه هلاکت و سرسپردگی ببرد.

آنان که از سر ناآگاهی یا غرض مدعی هستند کودتای رضاخان به انگلیس ارتباطی نداشته، خوب است به منابع تاریخی از جمله تاریخ بیست ساله ایران تالیف حسین مکی مراجعه کنند تا ببینند که رضاخان خود اعتراف نموده است که مرا انگلیسی‌ها روی کار آوردند.

سید ابوالحسن موسوی طباطبایی

مروری بر مسئله جنگِ نرم و راهکارهای مقابله با آن بر اساس بیانات رهبر انقلاب

یکی از حربه‌های دشمن که امروز علیه جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد، بحث جنگ نرم است. حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای نیز در موارد متعددی به آن تصریح دارند و حتی این نوع جنگ را خطرناک‌تر از جنگ نظامی می‌دانند. ایشان می‌فرمایند: «جنگ نرم مشکل‌تر علاج می‌شود و به یک معنا از جنگ سخت خطرناک‌تر هم هست.»۱۳۹۹/۱۲/۲۱

حقیقت این است که «امروز، دشمنان ملّت‌ها و کشورها که طمع می‌ورزند به منافع کشورهایی که می‌توانند طمع بورزند، فقط با سلاح گرم، با جنگ گرم و سخت وارد نمی‌شوند، با جنگ نرم وارد می‌شوند.»۱۴۰۳/۸/۶

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، جنگ نرم را چنین تعریف می‌کنند: «جنگ نرم یعنی چه؟ یعنی با فریب، با دروغ، با تهمت، با وسوسه، با استدلال‌های مغالطه‌آمیز مردم را از آن راهی که دارند می‌روند مردّد کنند، در مردم تردید ایجاد کنند. این، جنگ نرم است. این جنگ امروز هم در جریان است؛ امروز هم این کار دارد انجام می‌گیرد.» ۱۴۰۴/۱۰/۱۳

به اعتقاد ایشان اولین اقدام در برابر این جنگ تصدیق و قبول چنین خطری است. «ما باید اول این را تصدیق کنیم، باید اول قبول کنیم که ما در حال یک جنگیم، ما مورد تهاجم قرارگرفته هستیم.»۱۳۹۷/۸/۲۴

دشمن به دنبال ناامید کردن است

هدف دشمن در جنگ نرم، «آن چیزی است که در دل شماست، در ذهن شماست، در مغز شماست؛ یعنی اراده شما؛ دشمن می‌خواهد اراده‌ی شما را عوض کند.» ۱۳۹۱/۵/۱۶

دشمن در جنگ نرم، به دنبال ناامید کردن و ایجاد ترس است. «یکی از بخش‌های جنگ نرم، همین نایمن‌سازی روانی جامعه است.» ۱۴۰۳/۸/۶ پس «هدف از جنگ نرم، بی‌انگیزه کردن مردم است؛ برای اینکه مردمی را که در مِی‌دانند و آماده تلاشند و آماده کارند بی‌انگیزه کنند، ناامید کنند، مأیوس کنند، دچار تردید کنند.»۱۴۰۴/۱۰/۱۳ باید دانست «امروز هدف دشمن این است که نقاط قوّت فکری و معارفی ما را از ما بگیرد؛ ما استقلال می‌خواهیم، روحیه ما را تضعیف کند؛ ما می‌خواهیم در مقابل استبداد غربی استقامت کنیم، روحیه ما را تضعیف کند، ما را مردّد کند؛ تفکّرات اسلامی و معارف اسلامی را در ما تضعیف کند، عمل اسلامی را تضعیف کند، وحدت ملّی را تضعیف کند، تدیّن زن را، حیای زن را تضعیف کند.»۱۴۰۲/۱/۱۶ درواقع «این ستون فقرات کار فرهنگی دشمن است؛ این، آن لُبّ جنگ نرم دشمن است که ایجاد تردید کنند.»۱۳۹۹/۲/۲۸

ابزار دشمن در جنگ نرم

جنگ نرم دارای ابزارهایی است. «یکی از ابزارهای جنگ نرم در میان دشمن و در میان بعضی از افراد نابابِ یا غافل، عبارت است از مسکوت گذاشتن آورده‌ها و داشته‌ها و توانایی‌های این ملّت؛ انکار توانایی‌های این ملّت.» ۱۴۰۴/۱۰/۱۳ و این مسئله همیشه در برنامه‌های استعماری وجود داشته است، «یک بخش مهمّ جنگ نرم استعمارگران، هم امروز و هم همیشه -امروز هم هست، در گذشته هم بیشتر بوده- عبارت است از اینکه ملّت ما را یا هر ملّتی را که دارای استعدادی است، از استعدادِ خودش غافل کنند، او را بی‌اعتنا کنند به آن استعداد یا حتّی به وضعی برسانند که خود او منکر این استعداد بشود؛ این قدر بگویند نمی‌توانی، نمی‌توانی، نمی‌توانی که باورش بشود نمی‌توانم و خودش بگوید نمی‌توانم.»۱۴۰۰/۸/۲۶

یکی دیگر از «ابزارها در جنگ نرم این است که مردم را در یک جامعه نسبت به یکدیگر بدبین کنند، بددل کنند، اختلاف ایجاد کنند.»۱۳۸۸/۹/۴ و «امروز البتّه شیوه‌های جدید و اینترنت و فضای مجازی و امثال اینها هم آمده است.»۱۳۹۷/۸/۱۲ «شما در این چند سال هم مشاهده کرده‌اید که چطور دشمنان از فضای مجازی استفاده کرده‌اند برای اینکه اغراض خودشان را پیش ببرند.»۱۴۰۳/۸/۶ درواقع «جنگ نرم؛ یعنی جنگ به وسیله ابزارهای فرهنگی، به وسیله نفوذ، به وسیله دروغ، به وسیله شایعه‌پراکنی؛ با ابزارهای پیشرفته‌ای که امروز وجود دارد.» ۱۳۸۸/۹/۴ مثلاً با دروغ و شایعه در زمان امام علی علیه‌السلام «افرادی می‌رفتند در شهرها، در روستاها به مردم حمله می‌کردند، ظلم می‌کردند، بعد یک نفر شایعه می‌کرد که اینها از طرف علی آمده‌اند. مردم را مردّد می‌کردند. امروز هم همین کار عیناً دارد انجام می‌گیرد.» ۱۴۰۴/۱۰/۱۳ پس در جنگ نرم «مراقب شبهه‌سازی دشمن باید بود، مراقب شایعه‌سازی دشمن باید بود. این پول‌هایی که خرج می‌شود ـ میلیاردها خرج می‌شود ـ برای فلان تلویزیون، فلان رادیو، فلان مرکز اطّلاع‌رسانی و مانند اینها، و علیه ایران دائماً حرف‌های دروغ و خلاف منتشر می‌کنند، این بی‌جهت نیست، این با یک استدلال بسیار مهمّی است؛ می‌خواهند داخل کشور را ضعیف کنند.» ۱۴۰۴/۱۰/۱۳

شیوه‌های مقابله با دشمن را باید شناخت

در جنگ نرم «هم دشمن را باید شناخت، هم دشمنی‌های او را باید شناخت.» ۱۳۹۴/۱۱/۱۹ مواجهه با چنین هجمه پیچیده‌ای، نیازمند آگاهی و به‌کارگیری شیوه‌های مناسب است؛ یکی از این شیوه‌ها، کنشی و ابتکاری عمل کردن است، یعنی «بهتر از عکس‌العملی عمل کردن و واکنشی عمل کردن، عمل کردنِ کُنشی و ابتکاری است... مثل یک شطرنج‌باز ماهر که حدس می‌زند طرف مقابل چه حرکتی را انجام خواهد داد، و قبل از اینکه حرکت را انجام بدهد، کاری را انجام می‌دهد که او قفل بشود، نتواند آن حرکت را انجام بدهد.» ۱۳۹۸/۹/۶ در زمان فعلی «فضای مجازی یک فرصتی است برای این کار. حالا دشمنان از فضای مجازی جور دیگر استفاده می‌کنند.» ۱۳۹۹/۱۲/۲۱ اما می‌شود از این فضا «برای توصیه به صبر، برای توصیه به حق، برای بصیرت‌آفرینی، برای توصی